این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

زحمت برای خیر و فضل اللهی

کانال تلگرامی نشر آثار و بیانات و جلسات حضرت استاد جوادی آملی نوشت:

اگر ذات اقدس الهی جواد است، چرا بدون زحمت، خیر و فضل را به انسان نمی‌رساند؟

جود او و سایر اسمای حُسنای آن حضرت تحت رهبری حکمت کار می‌کنند، حکمت الهی در تکامل انسان است که انسان عالم بشود و از راه علم، خودش و دیگران را تأمین کند. سعادت انسان در علم اوست، علم صائب و عمل صالح اوست و گرنه اگر رایگان کسی را بپرورانند، این برای همیشه همچنان کودک می‌ماند.

بهترین جود آن است که انسان را مستغنی بکند، نه در حال فقر نگه بدارد؛ البته غنی کردنِ انسان محال است.

چون بین این سه واژه فَرق است: ما یک فقر داریم، یک استغنا داریم، یک غنا. فقیر کسی است که محتاج باشد، یک؛ و چیزی که حاجت او را رفع بکند نداشته باشد، دو؛ مجموعه این دو امر را می‌گویند فقیر. مستغنی کسی است که محتاج باشد و چیزی که نیاز او را برطرف بکند داشته باشد، این می‌شود مستغنی. غنی آن است که اصلاً محتاج نباشد و تنها کسی که در عالم، غنی است ذات اقدس الهی است، اگر دیگران طرفی از غنا بسته‌اند به عنایت الهی بود؛ یعنی فقرشان را ذات اقدس الهی با تأمین آن موردِ نیاز برطرف کرده است و شخص اگر دائماً فقیر باشد کمال نیست اما اگر مستغنی باشد کمال است، خدا از راه علمِ درست و عملِ صالح مشکلات آنها را حلّ می‌کند و این بهترین جود اوست.

تفسیر سوره طور ۹۵/۱۱/۱۲

منبع: کانال حکیم جوادی آملی

هیچ‌کس در امریکا راضی نیست

کانال USA Study به نقل از پایگاه خبری بلومبرگ نوشت: نتایج تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد حدود ۹۰ درصد امریکایی‌ها می‌گویند از وضعیت کشورشان راضی نیستند و این نارضایتی بر تصمیمات سیاسی آنها در فاصله چهار ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری تأثیر خواهد گذارد.

نظرسنجی مؤسسه پیو نشان می‌دهد فقط ۱۷ درصد امریکایی‌ها چه دموکرات، چه جمهوریخواه به کشورشان افتخار می‌کنند ولی ۶۶ درصد گفته‌اند نسبت به آینده کشور بیمناک و نگران هستند. فقط ۱۲ درصد امریکایی‌ها می‌گویند از مسیری که کشور هم‌اکنون در آن قرار دارد احساس رضایت می‌کنند.

این نظرسنجی طی روزهای ۱۶ تا ۲۲ ژوئن و همزمان با افزایش شمار مبتلایان به ویروس کرونا در امریکا و تعمیق رکود اقتصادی انجام شده است.

این احساس نارضایتی بر برداشت افکار عمومی از عملکرد دونالد ترامپ که در نظرسنجی‌ها حدود ۱۰ درصد از جو بایدن رقیب دموکرات خود عقب‌تر است، تأثیرگذار خواهد بود. حدود ۵۴ درصد از رأی‌دهندگانی که برای انتخابات نام‌نویسی کرده‌اند از بایدن حمایت می‌کنند و ۴۴ درصد هم حامی ترامپ هستند. میزان محبوبیت ترامپ به ۳۹ درصد کاهش پیدا کرده در حالی که ۵۹ درصد می‌گویند مخالف سیاست‌های وی هستند. در نظرسنجی ماه آوریل میزان محبوبیت ترامپ ۴۴ درصد بود.

با این همه اکثریت اندکی از امریکایی‌ها می‌گویند ترامپ عملکرد اقتصادی بهتری نسبت به بایدن دارد. در عوض بایدن در دیگر طبقه‌بندی‌ها پیش است. رأی‌دهندگان به توانایی بایدن در مدیریت روند اجرای قانون، مسائل قضایی کیفری، سیاست خارجی، شیوع ویروس کرونا، روابط نژادی و نزدیک‌تر کردن صفوف اقشار جامعه به یکدیگر اعتقاد دارند.

اما در حالی که بایدن در هر نظرسنجی عمومی مستقل که از ماه آوریل تاکنون منتشر شده پیش است، نظرسنجی نشریه یواس‌ای تودی در روز سه‌شنبه نشان می‌دهد بایدن همچنان با معضل عدم اشتیاق طرفدارانش روبه‌روست. این در حالی است که نیمی از طرفداران ترامپ می‌گویند برای رأی دادن به نفع ترامپ بسیار هیجان‌زده و مشتاق هستند. در حالی که فقط ۲۷ درصد هواداران بایدن می‌گویند چنین احساسی دارند.

حالا کوپول همین ۲۵ متر؟!

ساخت واحدهای مسکونی ۲۵ متری واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی برانگیخته است. ساخت آپارتمان‌های ۲۵ تا ۴۰ متری که اواخر سال گذشته مطرح شد و همین چند روز پیش بود که رسانه‌ها از توافق وزارت کشور، شهرداری و مجلس بر روی این طرح و نزدیک شدن آن به اجرا خبر دادند. پاسخگویی به بخش مهمی از نیاز بازار مسکن، افزایش عرضه و کاهش تقاضا از جمله فواید این طرح عنوان شد و حتی اظهارنظرهایی از برخی نمایندگان مجلس منتشر شد که معتقد بودند احداث واحدهای کوچک، عرضه و تقاضا در بازار مسکن را به تعادل می‌رساند. طرح خانه‌های ۲۵ متری اما با واکنش‌های منفی فراوانی از سوی جامعه مواجه و موجب شد تا وزیر راه و شهرسازی کل ماجرا را تکذیب کند. با وجود این کاربران فضای مجازی در آشفته‌بازار مسکن و چالش سر به فلک کشیدن قیمت خرید و حتی اجاره مسکن نسبت به این ماجرا واکنش‌های متعددی نشان دادند و با وجود تکذیب وزیر راه این واکنش‌ها همچنان ادامه دارد.

■ **امیرحسین ثابتی:**
اگر روحانی از همان ابتدا به جای تعطیلی مسکن مهر به ساخت انبوه مسکن برای طبقات ضعیف ادامه می‌داد، نه تنها امروز خیلی‌ها صاحبخانه بودند و اجاره‌ها این‌قدر نجومی نبود بلکه «ده‌ها شغل» دیگر که غیرمستقیم با چرخه مسکن مرتبط هستند نیز راکد نبودند. اقتصاد ایران را روحانی فلج کرد نه تحریم.

■ **رونین:**
در دولتی که نهاد رئیسش ۴ هزار متر ساخت و ساز غیرقانونی در نیاوران انجام میده، برای مردم خانه‌های ۲۵ متری تجویز می‌کنند. درحالی که دستشویی خونه خودش بیشتر از ۲۵ متره! راستی کنسرت چی شد؟ دوچرخه‌سواری خانم‌ها چی شد؟ ورزشگاه رفتن خانم‌ها به کجا رسید؟ متراژ مسکن مهر مزخرف حدود ۷۰ متره!

■ **چشم‌انتظار:**
راست میگن جناب آخوندی دیگه! مسکن مهر مزخرفه و صرفه اقتصادی هم نداره! باید ملت رو تو ۲۵ متر کتلت کرد و بعد تو قوطی کنسرو جا کرد و صادر کنیم. این‌جوری با تولید کنسرو و صادرات اون در جهش تولید جهش بزرگی خواهیم داشت! به همین سادگی! به همین راحتی!

■ **شکیب:**
رواج درخواست هم‌خانگی دو خانواده در یک واحد! آری مسکن مهر طرح اشتباهی بود! اینجاست که باید گفت «ما که در سایه خورشید معذب بودیم /چشم‌مان کور سزاوار همین شب بودیم»

■ **حسین قاضی:**
در مناظرات سال ۹۲ مجری عکسی از مسکن مهر را نشان داد و نظر نامزدهای مؤمن، معتقد و معتمد را پرسید. چندتایشان اخم کردند و گفتند در مسکن مهر معماری و شهرسازی اسلامی رعایت نشده؛ امروز که حرف از ساخت مسکن ۲۵ متری است حالشان خریدنی است.

■ **علی مختارزاده:**
واقعاً چی شد که سالی یک میلیون مسکن ۷۰، ۸۰ متری مهر شد قوطی کبریت و حالا رسیدن به خونه ۲۵ متری؟
رأی وقتی از روی حماقت باشه میشه همینی که می‌بینی، دنده عقب با سرعت ۲۰۰ تا برسی به عصر حجر. مسکن ۲۵ متری، مسکن مهر...

■ **مهدی ثقفی:**
اگر روحانی از همان سال ۹۲ با ادامه مسکن مهر، سالی یک میلیون خانه به مردم تحویل می‌داد امروز ۷ میلیون خانوار از قشر مستضعف صاحبخانه بودند، عرضه و تقاضای بازار متعادل‌تر بود و قیمت اجاره‌ها این‌قدر نجومی نبود. عرضه این کار را هم نداشتند و اجاره خانه‌ها را هم گردن ترامپ می‌اندازند!

■ **بچه مردم:**
روحانی سال ۹۲ قبل از آنکه وزیرش بگوید «مسکن مهر مزخرف است» گفته بود «تولید انبوه مسکن ارزان‌قیمت یک ضرورت است اما باید یادمان باشد که خوابگاه نباید درست کنیم. باید شهرک‌هایی را با تمام امکانات ایجاد کنیم تا مردمی که آنجا سکونت می‌کنند بتوانند راحت زندگی کنند.»

■ **ابوذر شاه‌امیری:**
آنان که روزی مسکن مهر ۸۰ متری را با پوزخند و تمسخر به قوطی کبریت تشبیه کرده و حل مشکلات مسکن را به برجام گره می‌زدند، بعد از گذشت هفت سال بدون گذاشتن حتی یک آجر روی آجر، با افتخار طرح آپارتمان‌های ۲۵ متری را به مجلس ارائه می‌دهند.

■ **حنان علوی:**
پنج، شش سال سکان وزارت مسکن کشور را دست تفکری داده بودند که افتخار می‌کرد حتی یک واحد مسکن مهر نساخته، سال آخر دولت به فکر چه شوآف‌هایی افتادند؟ امیدوارم به سرنوشت مثل دلار جهانگیری دچار نشود!

■ **پیمان علی‌یاری:**
آنهایی که مسکن مهر را مسخره کردند و در زلزله کرمانشاه همپای دولت، همه آوار تخریب را سر آن ریختند، حالا در سوئیت‌های ۲۵ متری سکونت کنند. وقتی ایده خوب سر سیاسی کاری مسخره شد، باید به ایده مسخره تن داد. آجر مسکن ۲۵ متری را وقتی گذاشتید که روحانی گفت مسکن مهر قوطی کبریت است و سکوت کردید.

■ **ایمان:**
چراغ سبز دولت و مجلس برای ساخت آپارتمان‌های ۲۵ متری... بعد اون آخوندی (یکی از لیدرهای فتنه ۸۸ و وزیر مسکن دولت تدبیر) می‌گفت مسکن مهر یک طرح مزخرف است... البته بماند که خود آقای آخوندی جزو مافیای مسکن در ایران است.

■ **ساناز کلاهدوز:**
می‌خوام آینده‌نگری کنم برم قبر بخرم! چون این راهی که دولت داره طی میکنه از خانه ۲۵ متری تا قبرهای دو متری فاصله‌ای نیست.

■ **ک خبرنگار خسته:**
این‌جوری با تحقیر از خانه ۲۵ متری حرف نزنید. با حقوق ۲ میلیون تومن، یه جوان ۱۵ سال باید حتی یه ریال حقوقشو خرج نکنه تا بتونه به نرخ متری ۱۵ میلیون مناطق متوسط تهران همین ۲۵ متر خونه رو بخره! پس عملاً اول معطلیم!

■ **خانم بادروج:**
وقتی از طرح مسکن مهر که در خدمت مستضعفین بود، هیچ یک از مسئولان دفاع نکند، نتیجه‌اش می‌شود اینکه دولت سرمایه‌داری جری می‌شود و مردم را به خانه ۲۵ متری وعده می‌دهد! این دولت حتی خانه یک متری سیار هم نمی‌دهد چه رسد به ۲۵ متری!

گزارش

شبکه ملی اطلاعات، عنصری راهبردی در گام تمدنیِ انقلاب اسلامی

■ **محمد سخایی**

کانال جبهه انقلاب اسلامی در فضای مجازی در روبیکا نوشت:

هرچند تاریخ مطرح شدنِ مفهوم شبکه ملی اطلاعات تقریباً به سال‌های ۸۴ و ۸۵ (یعنی حدود ۱۳ سال پیش) می‌رسد اما متأسفانه هنوز هم در میان افکار عمومی و حتی جامعه نخبگان ماهیت و اهمیتِ این مفهوم استراتژیک در حوزه تئوریک و عملیاتی آن‌طور که باید شناخته شده نیست؛ البته دلایلِ مختلفی در پشت این قضیه است، که فعلاً از ذکر آنها می‌گذرم. در این سلسله یادداشت، اجمالاً نگاهی می‌اندازیم به اهمیتِ راهبردیِ شبکه ملی اطلاعات به خصوص در دهه پنجم و گام دوم انقلاب اسلامی، که خاصتاً گام جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است.

شکی نیست، که انقلاب در گام دوم خود چشم‌اندازهای بلندی را در نظر گرفته است؛ افق‌هایی در حد و اندازه ایجاد تمدنی نوین، برگرفته از ریشه‌های اصیلِ دینی و الهی. قطعِ به یقین برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید زیرساخت‌های اساسی ملی و سپس تمدنی شوند. هر انسان آگاه و عاقلی می‌داند که شبکه اطلاعاتی و ارتباطی در عصر حاضر یک زیرساختِ حیاتی برای هر کشورِ مستقلی به حساب می‌آید. در حال حاضر اطلاعات یکی از منابع اصلیِ قدرت به حساب می‌آید و قاعدتاً بستری که اطلاعاتِ ملی در آن جاری می‌شود از اهمیتی حیاتی و استراتژیک برخوردار خواهد بود.

می‌توان اهمیتِ شبکه ملی اطلاعات از جهتِ راهبردی را، در چند جهت زیر مورد مداقه و بررسی قرار داد:

۱- ارتباطِ راهبردیِ شبکه ملی اطلاعات با امنیت ملی

۲- ارتباط راهبردی شبکه ملی اطلاعات با هدفِ استقلال در سیاست‌های کلان کشور

۳- ارتباط راهبردی شبکه ملی اطلاعات با جنگ سایبری و جنگ رسانه‌ای

۴- ارتباط راهبردی شبکه ملی اطلاعات در ایجاد موازنه قدرت

۵- ارتباط راهبردیِ شبکه ملی اطلاعات با زیرساخت‌های اساسیِ جامعه‌سازی و تمدن‌سازی

به دلیلِ اهمیت بالای زیرساختِ شبکه ملی اطلاعات ان‌شاءالله در چند شماره این مفهوم را از نظر راهبردی بررسی خواهیم کرد.

یکی از مهم‌ترین دلایلِ لزوم راه‌اندازی هر چه سریع‌تر شبکه ملی اطلاعات از حیثِ استراتژیک، ارتباط جدیِ آن با امنیت ملی است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که در حالِ حاضر فضای مجازی شمشیری دو لبه است، که هم مجموعه‌ای از فرصت‌ها به ما می‌دهد و هم تهدیدهایی را نیز برای ما به ارمغان آورده است. یکی از آن تهدیدات جدی فضای مجازیِ افسار گسیخته و کنترل نشده در حالِ حاضر، که خصوصاً در اغتشاشاتِ سال‌های گذشته (۹۶، ۹۷ و ۹۸) بهتر خودش را عیان کرد تهدید امنیت ملیِ کشور است.

در این که امنیت ملی چیست و چه تعریفی دارد؟ مانند تمامیِ مفاهیم و واژه‌های علوم انسانی جای سخن بسیار است. اما به صورت خلاصه می‌توان امنیت ملی را حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش قدرت (سخت و نرم) و قوی شدن دانست. یعنی قاعدتاً هر آن چیزی که قادر باشد استقلال یک کشور، فرهنگ یک کشور، نظمِ یک کشور و تمامیت ارضیِ یک کشور را به مخاطره بیندازد یک تهدید برای امنیت ملی به شمار می‌آید.

همان‌طور که گفته شد، یکی از آثارِ مهمی که در حال حاضر فضای مجازیِ افسار گسیخته و محصولاتِ ایجاد شده در بستر آن در کشورِ ما ایجاد می‌کنند، تهدید امنیت ملی در کشور به روش‌های مختلف است؛ در واقع فضای مجازیِ پهن شده بر بستر اطلاعاتیِ مورد شنود توسطِ NSA و اشلون این اتفاق را به طرق مختلفی از جمله شیوه‌های زیر رقم می‌زند:

۱- ایجاد و سازماندهی نافرمانی‌های مدنی از طریق بستر اطلاعاتیِ بیگانه

۲- دسترسی به اطلاعات عظیم (بیگ دیتا) مردم ایران به وسیله سرویس‌های اطلاعاتی و از طریق بستر اطلاعاتی بیگانه

۳- گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق شبکه‌های اجتماعی فاسد

۴- اقدام‌های تروریستی و خرابکارانه در بستر شبکه اطلاعاتی بیگانه.

و....

آنچه امروز امنیت ملی ما را تهدید می‌کند در بستر همان طرحِ معروف دلتا است؛ طرحی که چند سال قبل (مارک پالمر)، یکی از نظریه‌پردازان نام‌آشنای ایالات متحده و همچنین از اعضای کمیته صلح جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد و برای آن سه ضلع اساسی زیر را بیان کرد:

۱- دکترین مهار

۲- نبرد رسانه‌ای

۳- سازماندهی نافرمانی‌های مدنی

در این طرح به وضوح اشاره می‌شود که راهِ زوال جمهوریِ اسلامی جنگ رسانه‌ای و البته سازماندهیِ نافرمانی‌های مدنی است. این سازماندهیِ دقیقاً همان اتفاقی است که در اغتشاشات سال‌های گذشته در بستر اینترنت و شبکه‌های اجتماعیِ تحتِ سیطره NSA اتفاق افتاد و برای امنیت ملیِ کشور تهدیدآفرینی کرد. در واقع کانال آمدنیوز و روح‌الله زم نوکِ کوهِ یخ فتنه بودند اما در ریشه این کوهِ فتنه‌انگیزی، مجموعه‌ای از صدها کانال معاند با موضوعات آتئیستی، فمینیستی، اپوزیسیون، فرق نوظهور، مسیحیت تبشیری و ده‌ها موضوع دیگر بودند که همگی با هم موجبات ایجاد و گسترش اغتشاش و فتنه‌انگیزی را فراهم کردند.

امروزه یکی از مصادیق قدرتمند بودن و قوی بودنِ یک کشور داشتنِ زیرساخت است. بدونِ شک اگر قرار باشد ما در حال حاضر گام دومِ را، که گام جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است به سلامت طی کنیم، باید ابتدا تمام تهدیداتی را که بر سر راهِ تحققِ امنیت ملی است دفع کنیم، و قطعاً یکی از آن تهدیداتِ مهم و حیاتی نیز چیزی نیست مگر استفاده از مجرای اطلاعاتیِ NSA برای تبادل اطلاعات در کشور.

***پ.ن:** امروز کشور در یک جنگ اطلاعاتی تمام‌عیار به سر می‌برد و البته وزارت ارتباطات نشان داده که نه تنها بر له کشور نیست، بلکه با اقداماتِ پوپولیستی و بی‌خردانه خود علیه امنیت ملی اقدام می‌کند. وزیر ارتباطات باید این را بداند که امروز هر گامی که بر ضد شبکه ملی اطلاعات برداشته شود، یک گام بر ضد امنیت ملیِ کشور است و البته آذری جهرمی و مسئولان ذیربط باید در این رابطه پاسخگو باشند.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون

۶

ترجمه: محمدصادق عبدالهی

در انفعال مقابل ایران رکورد جهانی زده‌ایم!

جان بولتون در «اتاق حوادث» از جلسه‌ای در پنتاگون می‌گوید که در آن برای چندمین بار تأکید می‌کند فشار حداکثری هم مانع ایران نیست و فقط باید تغییر رژیم را دنبال کرد. او همچنین از انفعال ۴۰ ساله امریکا در برابر حملات مستقیم و غیرمستقیم ایران به اهداف امریکا در خاورمیانه نوشته است و این را موجب پیشروی بیش از پیش ایران در ضربه به منافع امریکا دانسته است.

دانفور، رئیس ستاد مشترک، پرسید: «آیا واقعاً تصور می‌کنی سیاست فشار حداکثری باعث تغییر رفتار ایران خواهد شد؟» به او گفتم: «تقریباً در خصوص این رژیم باید بگویم این سیاست چندان جوابگو نیست و تنها تغییر رژیم است که می‌تواند مانع دستیابی ایرانی‌ها به سلاح اتمی شود.» ما به آخرین شانس خود رسیده بودیم و دانفور هم تأکید کرد که نظر او هم درباره سیاست فشار حداکثری همین است. او تصور داشت ایران این سیاست را جدی نگرفته است. نه در موضوع هسته‌ای و نه در دفاع سپاه قدس از خود در خلیج فارس، دریای سرخ، عراق و افغانستان. در واقع ترس دانفور از این بود که تهران فکر می‌کرد می‌تواند سلاح هسته‌ای‌اش را توسعه دهد و حتی در منطقه بدون ترس از تلافی به ما حمله کند. فکر کردم شاید شاهان و دانفور از نظری که داده بودم تعجب کنند بنابراین گفتم: «این‌طور نیست که من سال‌ها نظراتم را در این باره پنهان کرده باشم.» آنها با خنده حرفم را تأیید کردند. بحث خیلی مفیدی بود. برخلاف ماتیس، من فکر می‌کردم دانفور دنبال یک نتیجه مشخص نبود بلکه او فقط می‌خواست مطمئن شود که ما پیامدها را درک کرده‌ایم که وقتی بحث تمام شد او به وضوح مطمئن شد من فهمیده‌ام. این حداقل بخشی از یک بحث بزرگ‌تر بود. دانفور خواستار مقابله با ایران بود... عدم پاسخ یا پاسخ‌های ناکافی ما به حملات مستقیم و غیرمستقیم ایران به اهداف نظامی و غیرنظامی امریکا در خاورمیانه آن‌قدر زیاد شده بود که فکر کنم رکورد جهانی زدیم! این حملات از زمان تصرف سفارت ما در تهران در سال ۱۹۷۹ و سپس حمله ایرانی‌های تحریک شده در سال ۱۹۸۳ به پادگان‌های دریایی ما در بیروت (که موجب خروج نیروهای امریکایی، فرانسوی و ایتالیایی از لبنان شد) آغاز شده بود. ما حتی در سال ۲۰۱۸ که ایرانی‌ها از طریق گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در عراق به سفارتمان در بغداد و کنسولگری‌مان در بصره حمله کردند، تلافی نکردیم. این رشته انفعال امریکا در برابر ایران تا امروز همچنان ادامه داشت و آنها را قانع کرده بود که می‌توانند بدون واهمه هر کاری که می‌خواهند در منطقه بکنند. از آنجا که آخرین گفت‌وگو درباره ایران در داخل دولت بود، نظر من این بود که پنتاگون آشکارا کارهای زیادی را برای جبران بی‌علاقگی ماتیس، وزیر دفاع، در مقابله با تسلیحات هسته‌ای انجام دهد. در همین دور از گفت‌وگوهای داخلی بود که خبرنگاری از ترامپ پرسید: «آیا از مشاوره‌های جان بولتون راضی هستید؟» ترامپ پاسخ داد: «بله؛ جان بسیار عالی است. او دیدگاه‌های عجیب و غریبی درباره مسائل دارد؛ با این حال خوب است. من معمولاً نظرات جان را معتدل می‌کنم. این خیلی جالب است؛ نه؟ هیچ‌کس فکر این را هم نمی‌کند! من کسی هستم که او را معتدل می‌کنم. اما مشکلی نیست! من طرف‌های مختلفی برای مشاوره دارم. منظورم این است که من علاوه بر جان بولتون افرادی را دارم که کمتر از او به مسائل بدبین هستند و در نهایت این من هستم که تصمیم می‌گیرم. خلاصه آنکه من جان را دوست دارم و مشورت‌های خوبی از او گرفته‌ام.» آیا می‌توانید تصور کنید رسانه‌ها از این حرف‌ها چه کلماتی را نقل کردند؟! مدیر ارتباطات کاخ سفید، لحن ترامپ را «مهربانانه» وصف کرد که من به او گفتم باز کمی من را خوشبین کردی!

چگونه با عکس قصه مستند بگوییم؟!

یونس شکرخواه استاد علوم ارتباطات در کانال تلگرامی خود نوشت: چند تعریف رایج درباره فتوژورنالیسم وجود دارد. پیش از هر چیز؛ باید این نکته را اضافه کنم که فتوژورنالیسم می‌کوشد تا خود را با سایر گونه‌های عکاسی از طریق تکیه بر اصول پذیرفته شده ژورنالیستی؛ نظیر تازگی (سرعت) بی‌طرفی؛ درستی (صحت) و قابلیت حسابرسی در قبال مخاطبان؛ در فضای چاپی و آنلاین متمایز سازد.

اما تعاریف فتوژورنالیسم:

۱- هنری است که برای قصه‌گویی عکاسانه به کار گرفته می‌شود تا زندگی را مستند کند. پدیده‌ای جهانی است و به همه مربوط است و از محدودیت‌های زبانی و فرهنگی عبور می‌کند. فتوژورنالیسم ما را به عکس‌هایی ارجاع می‌دهد که یک داستان را بیان می‌کند؛ مثل عکس‌هایی که در رسانه‌های خبری می‌بینیم یا مجلات، گاه‌نامه‌ها یا هفته‌نامه‌ها. این عکس‌ها می‌تواند دربرگیرنده عکاسی مستند، عکاسی تبلیغاتی، عکاسی در صحنه، عکاسی ورزشی، زندگی جاری، علایق انسانی و به تصویر کشیدن شیوه معاصر و رایج زندگی باشد.

اما نکته مهم در این بخش این است که در فتوژورنالیسم روایت عکس مقدم بر قضاوت است، یعنی باید عکس، دیگران را به قضاوت بکشد، پس لازم است به عکاسان خبری گفته شود: سعی نکنید قضاوت خود را به عکس القا کنید. در این فتوژورنالیسم، عنوان یا مضمون مقدم بر عکس است و باید به این‌که مخاطبان و بینندگان و کسانی که داوری می‌کنند کمک کند تا خودشان داستان یا ماجرا را کشف کنند.

۲- ژورنالیسمی است که داستانی را از طریق تصاویر بیان می‌کند. می‌توان این‌طور برداشت کرد که در ذهن غربی‌ها، فتوژورنالیسم تک‌فریم نیست؛ به همین علت است که همیشه یک فیچر یا گزارش تصویری جداگانه دارند و یک تک‌فریم؛ که تک‌فریم در واقع اوج گزارش تصویری آنهاست.

۳- تعریف دیگری که از فتوژورنالیسم می‌توان عنوان کرد این است که بگوییم شکلی ویژه از ژورنالیسم است که تصاویری را خلق می‌کند تا داستانی خبری را بازگو کند؛ هرچند معمولاً این‌طور فهم می‌کنند که اصل بر تک‌فریم است، در حالی که این‌طور نیست در حالت عام‌تر هم به مطالب بسیار مهم و جدی که عکاسی شده است گفته می‌شود.

۴- و بالاخره تعریف دیگر این که فتوژورنالیسم کاربرد عکس است در ارتباط با گزارش خبرها در رسانه‌های چاپی مثل روزنامه و مجله و در گزارشگری اینترنتی.